

روش‌های اهل بیت(ع) در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی

احمدحسین شریفی*

چکیده

هدف این پژوهش عبارت بود از بررسی روش‌های اهل بیت(ع) در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی؛ سؤال اصلی پژوهش این بود که: «چه راهکارها و روش‌هایی برای نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از سیره و سخن اهل بیت(ع) قابل استخراج است؟»؛ برای رسیدن به این هدف، از روش تحلیل عقلی، راجع به محتوای احادیث اهل بیت (که با این مسئله مرتبط بودند) استفاده شد. دستاوردهای این پژوهش عبارت بود از هشت راهکار عمده تغییر فرهنگی از نگاه اهل بیت(ع): (۱) تغییر نگرش؛ (۲) توجه به آموزش‌های کاربردی، مصداقی، عینی و جزئی؛ (۳) خودشناسی و تقویت شخصیت؛ (۴) بازشناسی سبک زندگی پیامبران و اولیای الهی به عنوان الگو؛ (۵) اصلاح رفتار مسئولان، متولیان فرهنگی و ذی‌نفوذان اجتماعی؛ (۶) ترویج عزت فرهنگی، اقتصادی، اعتقاداتی (مثل تولی و تبری)؛ (۷) عنایت ویژه به عدالت و نظم سیستمی و اکتفا نکردن به عدالت و تقوای فردی؛ (۸) اجرای قانون در برخورد با مجرمان و نظم‌شکنان و قانون‌گریزان.

واژه‌های کلیدی: عوامل سبک‌ساز، عزت فرهنگی، اخلاق کاربردی، عدالت ساختاری، نظم ساختاری، سبک زندگی، اهل بیت(ع)

مقدمه

مرحله نهایی و اصلی همه پژوهش‌ها در مورد سبک زندگی، این است که چگونه می‌توان سبک‌های نادرست و نامطلوب را کنار زد و سبک زندگی اسلامی را جایگزین آنها کرد؛ به تعبیر دیگر، همه مباحثی که درباره تحلیل چیستی و چرایی سبک زندگی، بررسی علل و عوامل شکل‌گیری سبک زندگی، اجتماعی یا فردی بودن آن، آسیب‌شناسی سبک زندگی موجود، بیان سبک زندگی مطلوب و امثال آن مطرح می‌شود، جنبه مقدماتی دارند. رسالت اصلی هر اندیشمند و پژوهشگری این است که راهکارهایی عینی و عملیاتی برای تحقق سبک زندگی مطلوب را بیابد. دقت در سخنان و زندگی اهل بیت (ع) این حقیقت را آشکار می‌کند که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آن انوار مقدس، همین مسئله بوده است: «نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف زندگی روزمره مردم».

در این مقاله تلاش ما بر این است که مهم‌ترین راهکارها و روش‌های نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی را از سیره و سخن اهل بیت استخراج کنیم؛ اما پیش از هر چیز، لازم است با استناد به سخنان اهل بیت (ع)، به چند نکته مقدماتی اشاره کنیم که توجه به آنها برای هر گونه برنامه‌ریزی یا اقدامی برای اصلاح سبک زندگی لازم است.

نکته اول: امکان تغییر سبک زندگی

سبک زندگی به رفتارهای نهادینه‌شده فردی یا اجتماعی گفته می‌شود؛ یعنی رفتارهایی که بدون زحمت و حتی بدون تأمل از فرد سرمی‌زند؛ رفتارهایی که حالت ملکه و عادت پیدا کرده‌اند؛ به همین دلیل، ممکن است گفته شود سبک زندگی اساساً اصلاح‌پذیر و تغییرپذیر نیست. مگر نه اینکه «عادت» به طبیعت دوم انسان می‌ماند؛ به تعبیر امام علی (ع) «عادت، طبیعت دوم است».^۱ مگر می‌شود طبیعت و فطرت را تغییر داد؟ ممکن است در تأیید این پندار به برخی از احادیث دیگر تمسک شود؛ برای مثال، در حدیثی از وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) چنین نقل شده است: «اگر شنیدید که کوهی از مکانش جابه‌جا شده است، تصدیق کنید؛ اما اگر شنیدید که اخلاق کسی تغییر کرده است، تصدیق نکنید!».^۲

در حدیثی دیگر از آن حضرت چنین نقل شده است: «مردم همچون معادن طلا و

۱. الْعَادَةُ طَبْعُ نَأْنٍ (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۰).

۲. إِذَا سَمِعْتُمْ بِجَبَلٍ زَالَ عَنْ مَكَانِهِ فَصَدَّقُوا وَإِذَا سَمِعْتُمْ بِرَجُلٍ زَالَ عَنْ خُلُقِهِ فَلَا تَصَدَّقُوا (نهج‌الفصاحه، ش ۱۱۵، ص ۱۹۶).

نقره‌اند؛ کسانی که در جاهلیت خوب بودند، در اسلام نیز خوب‌اند»^۱. روشن است که ظاهر این احادیث، با روح دعوت اسلامی ناسازگار است؛ زیرا کار اصلی پیامبران و اولیای دین، هدایتگری است؛ اگر مردم تغییرناپذیر باشند، هدایتگری و راهبری آنان به سوی حق، کاری لغو و بیهوده خواهد بود، اما صرف‌نظر از این مسئله و صرف‌نظر از ضعف سندی همه این احادیث^۲، به نظر می‌رسد با توجه به دیگر احادیث وارد شده در این موضوع، منظور واقعی این آموزه‌ها آن است که تغییر سبک زندگی، امر ساده‌ای نیست و بردباری و پشتکار می‌طلبد و جزو دشوارترین کارهاست؛ به تعبیر امام علی(ع): «جابه‌جا کردن عادت‌ها، دشوارترین سیاست‌هاست»^۳. این دشواری تا جایی است که امام حسن عسکری(ع) آن را معجزه‌وار می‌داند: «ترک دادن عادت مانند معجزه است»^۴؛ به هر حال، با وجود این دشواری‌ها، تغییر و جابه‌جایی سبک زندگی امری شدنی است؛ هرچند ممکن است در برخی افراد و جوامع، این کار با دشواری و کندی بیشتری نسبت به دیگران صورت گیرد. پس همان‌طور که می‌توان حیوان وحشی را رام کرد، خوی ناراست را نیز می‌توان راست کرد؛ اگر غیر از این بود، آموزه‌های انبیا و دعوت آنان وجهی نداشت.

افزون بر این، وقتی امور خلاف طبع آدمی بر اثر تکرار و تبلیغ به صورت عادت درمی‌آیند و مطابق طبع می‌شوند، روشن است که امور مطابق با فطرت و طبع اصیل انسانی اگر تبلیغ و به کار گرفته شوند، زودتر و بهتر قابلیت نهادینه‌سازی را دارند. وقتی تغذیه بد توانسته است عادت شود، چرا تغذیه خوب، درست و متعادل نتواند به عادت انسان تبدیل شود؟ وقتی بی‌نظمی توانسته است به عادت ما تبدیل شود، چرا نظم و قانون‌پذیری نتواند به فرهنگ عمومی ما تبدیل گردد؟

نکته دوم: تدریجی بودن

اصلاح سبک زندگی امری تدریجی است. سبک زندگی افراد و جوامع معمولاً بسیار کند تغییر می‌یابد. سبک زندگی به همان صورت که به تدریج پدید می‌آید، به

۱. النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۱۲۱؛ برای مطالعه حدیثی با همین مضمون از امام صادق(ع)؛ رک: همان، ج ۲۶، ص ۶۴).

۲. این احادیث همگی فاقد سند معتبرند. مستندترین آنها حدیث منقول از امام صادق(ع) است که آن نیز «مرفوعه» است.

۳. أَصْعَبُ السِّيَاسَاتِ نَقْلُ الْعَادَاتِ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۱، ش ۷۶۳۰).

۴. رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنِ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۹).

تدریج نیز نابود می‌شود. نهادینه شدن یک رفتار یا عملکرد، زمان‌بر است و صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد؛ برای مثال، پیدایش سبک معماری اسلامی، بلافاصله پس از بیان آموزه‌های اسلام درباره اهمیت مسجد، نماز جماعت، تکریم مهمان، همسایه‌داری و اخلاق اجتماعی و شهروندی نبود؛ بلکه در طول ده‌ها سال، آرام‌آرام آن آموزه‌ها در سبک معماری مسلمانان نمود یافت. نمونه دیگر، برافتادن سبک زندگی برده‌داری است که امری زمان‌بر بود؛ تغییر سریع آن نه امکان‌پذیر بود و نه مطلوب. ترک عادت نادرست شرابخواری در صدر اسلام نیز به صورت تدریجی و مرحله‌به‌مرحله انجام شد. تحریم شرابخواری به منظور تغییر این سبک برجای مانده از دوران جاهلیت را می‌توان الگویی برای اصلاح سبک زندگی معرفی کرد. خدای متعال این تحریم را در چهار مرحله و به صورت تدریجی بیان کرد:

در نخستین گام، شراب را در مقابل روزی پاکیزه قرار داد و بدین ترتیب، با ایجاد تفاوتی میان این دو، به افراد زیرک القا کرد که شراب نمی‌تواند رزقی نیکو باشد: «و از درختان خرما و انگور، مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند».^۱

در دومین مرحله، این موضوع با شفافیت بیشتری مطرح گردید و ضمن تأیید وجود محاسن و منافع در شراب، ضررهای آن بیشتر از منافعش معرفی شد: «درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آن، دو گناه و زیان بزرگ است و منافی برای مردم در بردارد؛ ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است. از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود. این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد؛ شاید بیندیشید».^۲

در سومین مرحله، نماز خواندن در حالت مستی، ممنوع و حرام اعلام شد. مسلمانان نمازهای واجب روزانه خود را در پنج وعده می‌خواندند و افزون بر آن، نمازهای مستحبی زیادی نیز بود که پیامبر اکرم (ص) معرفی کرده بود؛ بنابراین، با توجه به جایگاه بسیار ویژه نماز در آیین اسلام، این دستورالعمل موجب شد شرابخواری در جامعه اسلامی تا حد زیادی کاهش یابد و بازار تجارت مشروبات الکلی، کم‌رونق و

۱. «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل، ۶۷).
 ۲. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِنَّمَا كَبُرُ مِنْ نَفْعِهِمَا مَا دَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره، ۲۱۹)

بلکه بی‌رونق شود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید».^۱

بالاخره در چهارمین و آخرین مرحله، شرابخواری رفتاری شیطانی معرفی شد و بر پرهیز از آن در همه حالات تأکید گردید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی) پلید و از عمل شیطان است، از آن دوری کنید تا رستگار شوید».^۲

این روش تدریجی تغییر دادن عادات، تنها به چند نمونه محدود نمی‌شود، بلکه با اخلاق قرآنی نیز مطابقت دارد و خود قرآن کریم به تدریج نازل شد. موضوع اصلی آیات مکی، استوار ساختن ایمان و پابرجا کردن اصول و قواعد کلی رفتار بود؛ اما در آیات مدنی، تلاش بر این بود که همین قوانین کلی، بر مسائل و مشکلات اخلاقی و اجتماعی تطبیق داده شوند. کافران که از این حکمت الهی بی‌خبر بودند، به اعتراض می‌گفتند: «و کافران گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟! این [نزول تدریجی] برای این است که قلب تو را به وسیله آن محکم داریم، و [از این‌رو] آن را به تدریج بر تو خواندیم».^۳

در آیه‌ای دیگر، تفسیر دوم را می‌خوانیم: «و قرآنی [بر تو نازل کردیم] که [آیات] آن را از هم جدا کردیم، تا آن را به تدریج و با آرامش بر مردم بخوانی و به یقین آن را ما نازل کردیم».^۴

نکته سوم: عوامل سبک‌ساز

پیش از آنکه به راه‌های نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از نگاه اهل‌بیت(ع) بپردازیم، لازم است به عوامل سبک‌ساز نیز اشاره‌ای داشته باشیم. سبک زندگی، محصول و معلول دسته‌ای از علل و عوامل اختیاری و غیراختیاری است؛ عواملی همچون شرایط اقلیمی، باورها، ارزش‌ها، محیط اجتماعی، اوضاع اقتصادی و سیاسی، نوع حاکمیت، گروه‌های مرجع، امیال و سلیق و گرایش شخصی را می‌توان مهم‌ترین

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء، ۴۳).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائدة، ۹۰).

۳. «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان، ۳۲).

۴. «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَرَتَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء، ۱۰۶).

عوامل سبک‌ساز و فرهنگ‌ساز دانست (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۱-۳۰). به طور طبیعی، ایجاد هر نوع تغییر اساسی در سبک زندگی را باید از این عوامل آغاز کرد، اما برخی از آنها عواملی غیراختیاری و تکوینی‌اند؛ مثل شرایط اقلیمی و آب و هوایی که تغییر آنها نمی‌تواند در دستور کار مباحث فرهنگی باشد، اما عمده عوامل سبک‌ساز، از سنخ عوامل کنترل‌شدنی و هدایت‌پذیرند؛ بنابراین، نخستین گام برای جهت‌دهی سبک زندگی به سمت ارزش‌های اسلامی، اصلاح آن عوامل سبک‌ساز به شیوه اسلامی است؛ مرحله دوم، استخراج راه‌ها و شیوه‌های تغییر آن عوامل از سیره و سخن اهل‌بیت(ع) است و مرحله سوم نیز یافتن راه رویارویی با عوامل فرهنگ‌سوز و شیوه از میان برداشتن موانع فرهنگ‌سازی است.

راه‌های تحقق سبک زندگی اسلامی از نگاه اهل‌بیت(ع)

با توجه به نکات پیش‌گفته، اکنون نوبت آن است که مهم‌ترین راهکارهای تحقق و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی و زدودن سبک‌های نامطلوب رفتاری را با استناد به سخنان اهل‌بیت(ع) تبیین کنیم:

۱. تغییر نگرش

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به سبک زندگی افراد و جوامع، باورها و ارزش‌های آنها یا همان جهان‌بینی است. کنش‌های افراد متأثر از گرایش‌های آنان و گرایش‌هایشان نیز محصول بینش آنهاست. نوع نگاه آدمیان به عالم و آدم است که کنش‌های آنها را نیز سامان می‌دهد؛ بر این اساس، مهم‌ترین راهکار اصلاح یا تغییر سبک زندگی نیز تقویت جهان‌بینی و اصلاح باورها و ارزش‌هاست و به تعبیر دیگر، نخستین گام برای ایجاد تغییر در کنش‌ها یا گرایش‌های افراد و جوامع، ایجاد تغییر در بینش و نگرش‌های آنان است.

فردی به محضر امام حسین(ع) آمد و از عصیان و آلودگی خود به گناه گفت؛ سپس از آن حضرت راهکاری برای رهایی از این وضعیت خواست. امام این سبک زندگی را به دلیل ضعف ایمان او دانست و فرمود: «پنج چیز را انجام ده و هر گناهی که می‌خواهی مرتکب شو؛ نخست آنکه، رزق خدا را نخور و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده؛ دوم آنکه، از ملک خدا خارج شو و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده؛ سوم

آنکه، به جایی برو که خداوند تو را نبیند و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده؛ چهارم آنکه زمانی که سفیر مرگ برای گرفتن جان‌ت آمد، او را از خود دور کن و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده و پنجم آنکه زمانی که مالک دوزخ، تو را در آتش انداخت، داخل نشو و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده»^۱.

۲. عرضه آموزش‌های کاربردی و مصداقی

علت برخی رفتارهای نادرست، نداشتن آگاهی و بینش صحیح درباره آن رفتار است؛ در گام اول، لازم است بینش صحیح و آگاهی به مردم داده شود. برای فهم خوبی‌ها و بدی‌ها باید آموزش دید. شیوه تربیتی پیامبران و اولیای الهی نیز چنین بود که در گام اول؛ خوبی‌ها، فضیلت‌ها و ارزش‌ها را آموزش می‌دادند: «پروردگارا! پیامبری در میان آنها از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنها بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی [و بر این کار قادری]»^۲.

پیامبران در این مرحله، مردم را به فلسفه وجودی خود و جایگاه انسان آگاه می‌کردند و می‌کوشیدند بینش آنها را تغییر دهند.

اما نکته مهم این است که پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) هرگز به آموزش‌های کلی و مفهومی اکتفا نکردند؛ بلکه دقیق‌ترین رفتارها و مصداق‌های یک عنوان کلی را در گفتار و کردار نشان دادند؛ برای مثال، درباره چگونه غذا خوردن، پیامبر اکرم(ص) و دیگر اولیای دین، تمام جزئیات را به صورت مصداقی بیان کرده‌اند: آغاز غذا با نام خدا، پایان آن با شکر خدا، چگونه لقمه گرفتن، چگونه نشستن، چگونه نگاه کردن به غذا و دیگران، چگونه سخن گفتن بر سر سفره، شیوه جویدن غذا، با کدام دست غذا خوردن، از کجای سفره غذا خوردن و امثال آن. درباره خوابیدن، آراستگی، مسافرت، شادی کردن، اوقات فراغت و صدها مورد دیگر نیز به همین شکل آموزش داده‌اند. به همین دلیل است که گفته‌اند در اسلام، حکم هیچ مسئله‌ای فروگذار نشده و حتی دیه

۱. أَفْعَلُ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبُ مَا شِئْتَ فَأَوْلُ ذَلِكَ لَا تَأْكُلُ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبُ مَا شِئْتَ وَ الثَّانِي أَخْرُجُ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبُ مَا شِئْتَ وَ الثَّلَاثُ أَطْلُبُ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبُ مَا شِئْتَ وَ الرَّابِعُ إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رَوْحَكَ فَادْفَعُهُ عَن نَّفْسِكَ وَ أَذْنِبُ مَا شِئْتَ وَ الْخَامِسُ إِذَا أَذْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبُ مَا شِئْتَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۲۶).

۲. «رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره، ۱۲۹؛ برای مطالعه آیات مشابه؛ رک: آل عمران، ۱۶۴ و جمعه، ۲).

یک خراش کوچک «ارش الخدش»^۱ نیز بیان گردیده است.

در جلد دوم *وسائل الشیعه*، ذیل ابواب السواک، سیزده باب دربارهٔ مسواک زدن و کیفیت آن ذکر شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۵-۲۹) و ذیل آداب الحمام و التنظيف و الزینه نیز ۱۱۵ باب آمده است (همان، ص ۲۹-۱۷۳) و آداب حمام رفتن را به صورت جزئی مطرح کرده‌اند: روز و ساعت حمام رفتن، نوع پوشش در داخل حمام، دعای حمام کردن، میزان حرارت آب، آداب حمام رفتن پدر و فرزند، وسیله شست‌وشوی بدن و مو، خضاب و رنگ آن. در جلد یازدهم، در کتاب *الحج*، با عنوان ابواب آداب السفر نیز در ۶۸ باب مسائل و آداب مربوط به مسافرت‌های زیارتی و سیاحتی بیان شده است (همان، ج ۱۱، ص ۳۴۳ - ۶۶۳).

ائمه اطهار این شیوه آموزش کاربردی و مصداقی را حتی در موضوعی مثل عقلانیت را به کار می‌بردند. امام صادق(ع) در حدیث مشهور جنود عقل و جهل، هنگام تعریف کردن عاقل و جاهل، به تعریفی انتزاعی و کلی اکتفا نمی‌کند، بلکه برای هر کدام از آنها ۷۵ شاخص مصداقی و عینی برمی‌شمارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ح ۱۲) یا امام رضا(ع) نیز در تبیین کمال عقل، ده ویژگی عینی و مصداقی را معرفی می‌کند: «عقل هیچ انسان مسلمانی تمام نمی‌شود مگر آنکه ده ویژگی در آن باشد؛ نیکی از او امید رود، از شر او درامان باشند، نیکی اندک از دیگران را زیاد شمارد، نیکی زیاد از خود را اندک به حساب آورد، از درخواست حاجت مردم خسته نشود، در سراسر عمر خود از دانش‌اندوزی خسته نشود، فقر در راه خدا در نزد وی محبوب‌تر از غنی باشد، خواری در نزد خدا از عزت در پیش دشمنان خدا را بیشتر دوست بدارد، گمنامی را بیشتر از شهرت دوست دارد و دهمین ویژگی و چه دانی که آن چیست؟ سؤال شد: دهمین ویژگی چیست؟ فرمود: اینکه هیچ کس را نبیند، مگر آنکه بگوید: او بهتر از من و پارسا تر از من است...»^۲.

۱. در روایات آمده است که اسلام همه آنچه که حلال و حرام است و همه احتیاجات مردم را، از جزئی‌ترین مسائل تا کلی‌ترین مباحث، بیان کرده است حتی دبه یک خراش کوچک را (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد؛ باب ۱۲: باب فی الأئمة أن عندهم الصحيفة الجامعة التي هي إمامة رسول الله و خطه على (ع) بيده).

۲. لا يَتَمُّ عَقْلُ أَمْرٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ. وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ. يَسْتَكْبِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَقْبِلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ. لَا يَسْأَلُ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ، وَ لَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طُولَ دَهْرِهِ. الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى. وَ الدَّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ. وَ الْخُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ. ثُمَّ قَالَ (ع): الْعَاشِرَةُ وَ مَا الْعَاشِرَةُ؟ قِيلَ لَهُ: مَا هِيَ؟ قَالَ (ع): لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتَقَى... (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۳).

ما نیز برای داشتن جامعه‌ای اخلاقی و سبک زندگی اسلام‌پسند و پیامبرپسند، باید به آموزش‌های کاربردی و مصداقی روی آوریم و به صورت گام‌به‌گام و کاربردی به مردم آموزش دهیم که اولاً، مصداق‌های جزئی آن اصول کلی چیست و ثانیاً، چگونه باید آنها را در زندگی خود اجرا کنند. البته آموزش مصداقی و کاربردی از دشوارترین آموزش‌ها و تخصص‌هاست و به سطح بالایی از دانش نیاز دارد.

۳. خودشناسی و تقویت شخصیت

یکی از مهم‌ترین علت‌های بروز رفتارهای نامطلوب و ضد فرهنگ، این است که فرد یا جامعه به جایگاه و ارزش خود آگاه نباشد، خود را کوچک شمارد و دیگران را از خود برتر بداند، سابقه تاریخی خود را نداند، شرافت و کرامت خود را نشناسد و برای خود شخصیت قائل نباشد. چنین افراد و جوامعی در اندیشه اصلاح رفتار خود نیستند و از انجام دادن رفتارهای ناپسند و نامطلوب نیز هیچ ابایی ندارند. امام علی(ع) چه زیبا می‌فرماید: «کسی که خود را خوار بشمارد، به خیر او امیدوار مباش».^۱ امام هادی(ع) نیز در این باره می‌فرماید: «کسی که خود را سبک بشمارد، از شر او درمان نباش».^۲

به تعبیر ایور ارونسون، روان‌شناس اجتماعی، اگر شخصی عزت نفس پایینی داشته باشد، از انجام رفتارهای بی‌رحمانه و ابلهانه چندان احساس ناراحتی نمی‌کند (ارونسون، ۱۳۷۰، ص ۱۵۰-۱۵۱). چنین افرادی به دلیل آنکه تمام دغدغه‌شان تأمین منافع و خواسته‌های نفسانی‌شان است، به خواسته‌ها و منافع دیگران، یا به قوانین و مقررات اجتماعی هیچ توجهی ندارند. به دلیل حاکمیت نوعی خودخواهی و خودبینی بر رفتار افراد خودکم‌بین، نه تنها امیدی به خیررسانی و خیرخواهی آنها نیست که از شرشان نیز نمی‌توان درمان بود. تنها چیزی که ممکن است چنین افرادی را از انجام رفتارهای نامطلوب بازدارد، این است که بدانند با چنین رفتاری نمی‌توانند به اهداف و خواسته‌های خود دست یابند.

درمقابل، کسانی که جایگاه و شأن خود را می‌شناسند و برای شخصیت خود احترام قائل‌اند، کمتر در پی خواسته‌های شخصی خویش هستند؛ به تعبیر امام علی(ع): «هر که خود را بزرگواری دید، شهوت‌هایش در دیده وی خوار گردید».^۳

۱. مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرَجُ خَيْرَهُ (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۵، ح ۸۴۶۶).

۲. مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۳).

۳. مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ (نهج‌البلاغه، قصار ۴۴۹).

۴. تربیت از راه معرفی الگوها

بسیاری از انسان‌ها، با وجود توانایی‌های فکری و عملی خود و اعتمادشان به این توانمندی‌ها، در عمل از رفتار دیگران اثرپذیری دارند؛ به همین دلیل، بخش زیادی از رفتارها و آداب و رسوم ما، اعم از رفتارهای خوب یا بد، تقلیدی است. به تعبیر شهید مطهری، قسمت اعظم رفتارهای آدمیان، گوسفندمانه است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۱۸۰-۱۸۱)؛ یعنی همین که یک یا چند نفر کاری را انجام دهند، دیگران نیز از آنها تبعیت می‌کنند. افرادِ خط‌شکن، به‌ویژه در عرصه‌های رفتاری نادرند. شاید همین نکته را بتوان دلیل پاداش فراوان پیش‌قدم شدن در کارهای خیر و همچنین کیفر پیشی‌گرفتن در کارهای باطل دانست؛ چنان‌که از وجود مقدس پیامبر اعظم (ص) نقل شده است: «کسی که سنت نیکویی را پایه‌گذاری کند، پاداش آن کار و پاداش همه کسانی را که تا روز قیامت به آن عمل می‌کنند، خواهد داشت و کسی که سنت بدی را پایه‌گذاری کند، کیفر آن کار و کیفر همه کسانی که تا روز قیامت به آن عمل می‌کنند، برای او نیز خواهد بود»^۱.

به هر حال، رفتارشناسی اجتماعی آدمیان، گویای این حقیقت است که آنها به شدت تقلیدگرا هستند و در رفتارهای خود تا اندازه زیادی متأثر از دیگرانند؛ بنابراین، مبلغان دینی و علاقه‌مندان به اصلاح فرهنگ عمومی و شیفتگان تحقق سبک زندگی اسلامی باید با استفاده از این روحیه، الگوهای ناب و اصیل فرهنگ‌سازی و تربیت اجتماعی را معرفی کنند. در تربیت قرآنی نیز می‌بینیم که به این شیوه توجه ویژه شده و خداوند هم الگوهای مثبت، هدایت‌گرا و کمال‌جو، و هم الگوهای منفی و شقاوت‌جو را معرفی کرده است؛ و هم انسان‌هایی که شاخص در بدی و بی‌اخلاقی بودند و هم انسان‌هایی که شاخص و معیار فضیلت، اخلاق و خوبی‌ها بودند. چنین افرادی در حقیقت نمایانگر تحقق عینی و خارجی فضایل یا رذایل اخلاقی‌اند. افراد با دیدن این الگوها و شاخص‌ها بهتر می‌توانند دربارهٔ پیامدهای رفتارهای خود قضاوت کنند.

الگوی کامل سبک زندگی دینی و الهی، وجود مقدس پیامبر اعظم (ص) است. خدای متعال از خلق و خوی آن حضرت، با تعبیر خلقی عظیم و بزرگ یاد می‌کند^۲ و او

۱. مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۶؛ و رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، باب وجوه الجهاد، ح ۱، ص ۹).
 ۲. «وَإِنَّكَ لَلْأَعْلَىٰ خَلْقِ عَظِيمٍ» (قلم، ۴).

را الگویی نیکو برای بشر معرفی می‌کند: «به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود؛ برای آنها که به رحمت خدا و روز بازپسین امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند»^۱ «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است»^۲.

امیرالمؤمنین(ع) نیز بارها و با تعبیر مختلف، الگوی کامل تربیت اسلامی را پیامبر اکرم(ص) معرفی می‌کند و سبک زندگی آن حضرت را برترین و هدایت‌گرایترین سبک زندگی می‌داند؛ زیرا هم حق‌طلبانه است و هم عدالت‌جویانه و هم میانه‌رو. امیرمؤمنان، محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند را کسانی می‌داند که از سبک زندگی پیامبر اکرم(ص) پیروی می‌کنند و از همه هدایت‌جویان و کمال‌طلبان می‌خواهد که به سنت و سیره آن پیامبر بزرگوار تأسی کنند: «برای تو بسنده است رسول خدا را مقتدا گردانی و راهنمای شناخت بدی و عیب‌های دنیا... پس به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن که در - رفتار او خصلتی است که زدودن‌اندوه خواهد و مایه شکیبایی است برای کسی که شکیبایی طلبید؛ و محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیامبر را سرمشق خود کند و به دنبال او رود»^۳.

«به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او بگریید که راهنماترین سنت است»^۴.

«رفتار او میانه‌روی در کار است و شریعت او راه حق را نمودار. سخنش حق را از باطل جدا سازد و داوری او عدالت است»^۵.

امام علی(ع) بر پیروی از سنت و سیره اهل‌بیت پیامبر اکرم(ص) تأکید می‌کند و می‌فرماید که عقب ماندن یا جلو زدن از سبک زندگی اهل‌بیت پیامبر اکرم(ص) موجب گمراهی و تباهی خواهد شد: «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان‌سو که می‌روند بروید و پی آنها را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱).

۲. «قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل‌عمران، ۳۱).

۳. «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَدَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذِمِّ الدُّنْيَا وَعَيْنُهَا، ... فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَن تَأَسَّى وَعَزَاءٌ لِمَن تَعَزَّى وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَالْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۱۶۱-۱۶۲).

۴. «وَاقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَاسْتَنْتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ (همان، خطبه ۱۱۰، ص ۱۰۷).

۵. «سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَسُنَّتُهُ الرَّشْدُ وَكَلَامُهُ الْفَضْلُ وَحُكْمُهُ الْعَدْلُ (همان، خطبه ۹۴، ص ۸۷).

هلاکت‌تان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید؛ و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنها پس نمانید که تباه می‌گردید».^۱

«پس کجا می‌روید؟ و کی بازمی‌گردید؟ که علامت‌ها برپاست و دلیل‌ها هویداست و نشانه‌ها برجاست. گمراهی تا کجا؟ سرگشتگی تا کی و چرا؟ خاندان پیامبران میان شماس‌ت که زمامداران حق و یقین‌اند، پیشوایان دین هستند، با ذکر جمیل و گفتار راست قرین‌اند؛ پس همچون قرآن، حرمت آنها را نیک در دل بدارید و چون شترانِ تشنه که به آب‌شخور روند، روی به آنها آرید».^۲

ممکن است گفته شود با توجه به گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال از آغاز دین مبین اسلام، و گذشت حدود ۱۱۰۰ سال از عصر غیبت کبری، آیا باز هم می‌توان گفت اسلام و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار(ع) ظرفیت‌های لازم برای عرضه سبک زندگی متناسب با شرایط فعلی را دارد؟

در پاسخ می‌گوییم که تنها اسلام و فرهنگ اهل‌بیت(ع) ظرفیت لازم برای این کار را دارند و می‌توانند سبک زندگی متعالی و انسانی را در اختیار بشر قرار دهند. البته این سخن، بدان معنا نیست که ما باید در شکل و صورت زندگی صدر اسلام؛ یعنی ۱۴۰۰ سال پیش متوقف بمانیم، بلکه این نوع نگاه‌های افراطی، متحجرانه با روح دعوت اسلامی و با سیر زندگی ائمه اطهار ناسازگار است. در تاریخ اسلام افرادی بوده و هستند که به همان ظواهر سیره نبوی تمسک کرده، از روح سنت و سیره غافل مانده‌اند؛ به همین دلیل، با مظاهر تمدن جدید مخالفت می‌کنند. در حالی که اسلام، روح، محتوا و گوهر زندگی متعالی را در اختیار پیروانش قرار می‌دهد؛ نه جسد، ظاهر، صورت و صدف زندگی را. روشن است که اصول و ارزش‌هایی همچون عدالت، خیرخواهی، خدمت به خلق، انصاف، نظم و قانون‌گرایی، بزرگداشت دیگران، صلح ارحام، همسایه‌داری و امثال آن، زمانمند و مکانمند نیستند؛ بلکه اینها ارزش‌های انسانی و جاودانه‌اند که در هر زمان و مکانی و برای هر فردی راه نجات و رسیدن به کمال‌اند.

۱. انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم فلن یخرجوکم من هدی و لن یعبدوکم فی ردی فإن لبدوا فالبدوا و ان نهضوا فانهضوا و لا تسبقوهم فضلیوا و لا تتأخروا عنهم فتهلکوا (همان، خطبه ۹۷، ص ۹۰).

۲. فاین تدهبون و انی توفکون و الأغلام قائمه و الآیات واضحه و المنار منصوبه فاین یناه بکم و کیف نعهون و بینکم عتره نبیکم و هم ازمه الحق و أعلام الدین و السنة الصدیق فانزلوهم بأحسن منازل القرآن و ردوهم و رددوهم الهمیم العطاش (همان، خطبه ۸۷، ص ۷۰).

۵. اصلاح رفتار مسئولان، متولیان و صاحب‌نفوذان

حاکمان و صاحب‌نفوذان هر جامعه، به دلیل جایگاه سیاسی و موقعیت اجتماعی برتری که دارند، نقشی جدی در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی ایفا می‌کنند و سبک زندگی آنان و نحوه معاشرتشان عاملی مهم در فرهنگ‌سازی است. امام علی(ع) این حقیقت تربیتی و فرهنگی را این‌گونه بیان می‌کند: «مردم به حاکمانشان شبیه‌ترند تا به پدرانشان».^۱

به همین دلیل، هرگونه انحرافی در سبک زندگی حاکمان و مسئولان جامعه، آثار جبران‌ناپذیری در سبک زندگی عامه مردم دارد. خداوند در داستان قارون می‌فرماید: «[قارون] با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد؛ آنها که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم. به‌راستی که او بهره عظیمی دارد».^۲

به همین دلیل است که امام علی(ع) تأکید می‌کند که هادیان جامعه، خود باید در عمل از همه سبقت بگیرند و پیش از تبلیغ زبانی، با رفتار خود فرهنگ‌سازی کنند: «ای مردم، به خدا من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم، جز اینکه خود پیش از شما به انجام دادن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود پیش از شما آن را فرو می‌گذارم».^۳

۶. ترویج عزت فرهنگی

یکی از بهترین راه‌های نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، رواج دادن روحیه عزتمندی و غیرت دینی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است. دو باور اصلی اعتقادی ما که از فروع دین به شمار می‌روند، تولی و تبری است. این دو اصل، تنها ناظر به مباحث سیاسی و اعتقادی نیستند؛ بلکه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز به کار می‌روند. یکی از راه‌های تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی،

۱. النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۴۶).

۲. «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص، ۷۹).

۳. أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَعْتَبُكُمْ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَاسْتَبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنهَأُكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَاتَّهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا (نهج البلاغه، خ ۱۷۵، ص ۱۸۱).

توجه به این دو اصل در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) با بیان‌های مختلفی، حوزه‌های این اصول اعتقادی را تبیین کرده‌اند؛ به عنوان مثال، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که خود را شبیه دیگران سازد، از ما نیست»^۱. امام علی (ع) نیز فرمود: «کسی که خود را به شکل گروهی درآورد، از آنان شمرده می‌شود»^۲. آن حضرت در تعبیری دیگر چنین فرمود: «به درستی که اندک‌اند کسانی که خود را شبیه قومی می‌سازند، مگر اینکه امید است از آنها شوند»^۳. این سخنان حکیمانه، بیانگر این واقعیت‌اند که مسلمان معتقد، در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز باید اصل تولی و تبری را مراعات کند و محبت خود به پیامبر اسلام و ائمه و ولایت‌پذیری خود را در عرصه‌های مختلف زندگی نشان دهد.

۷. اصلاح سیستم‌ها

برای نهادینه کردن سبک زندگی مطلوب، نباید به راه‌حل‌های درونی اکتفا کرد. تقوا و عدالت فردی هرچند لازم‌اند، برای جامعه‌سازی کافی نیستند. بسترسازی فرهنگی برای فرهنگ‌سازی ارزشی بسیار مهم است. نمی‌توان همواره ذهنیت اخلاقی افراد را تحریک و آرمان‌ها را بیان کرد، اما بسترهای کنشی آنها را فراهم نکرد؛ چرا که در این صورت، در برخورد کالاهای نرم با کالاهای سخت، همواره کالاهای نرم‌اند که عقب‌نشینی می‌کنند. امروزه، ساختارها و سازمان‌ها بر حرفه‌ها و افراد سلطه دارند و اولویت‌ها و اراده‌ها متأثر از ساختارهاست. متأسفانه فقه و فرهنگ ما بیشتر جنبه فردی دارد و دغدغه‌های اجتماعی در میان اندیشمندان ما بسیار اندک بوده است. بیشترین بحث‌ها درباره عدالت و نظم، به عنوان دو شاخصه مهم تفکر شیعی، ابعاد فردی آنها بوده و از عدالت سیستمی و نظم اجتماعی غفلت شده است. بی‌توجهی به عدالت و نظم سیستمی، موجب بروز روابط ناسالم اجتماعی و اداری فراوانی می‌شود. عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را باید در ناکارآمدی سازمان‌ها و سیستم‌ها جست‌وجو کرد.

برای مثال، وقتی ساختار صدور شناسنامه یا گواهی‌نامه المثنی، ساختاری پیچیده و

۱. لیس مِّنَا مَن تَشَبَهَ بغيرنا (نهج الفصاحه، ص ۶۶۳، ح ۲۴۱۳).

۲. مَن تَشَبَهَ بِقَوْمٍ عُدَّ مِنْهُمْ (ابن حبون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱۳، ح ۱۸۳۸).

۳. فَإِنَّهُ قَلٌّ مَّن تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا وَشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷).

چندین ماهه باشد، غیرمستقیم افراد را به رشوه دادن و پارتی‌بازی و روابط ناسالم اداری وا می‌دارد؛ یا وقتی فرایند صدور پروانه ساختمانی و مجوزهای ساخت‌وساز مدارس و راه‌اندازی مؤسسات و... پیچیده و طولانی‌مدت باشد، روابط ناسالم اداری، اخلاقی و فرهنگی شکل می‌گیرد؛ نمونه دیگر، اینکه هرچند همگان از آلودگی هوا شکایت دارند و همه به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی دعوت می‌شوند و همگی هم دشواری‌های استفاده از وسایل شخصی در شهرهای بزرگ را می‌دانند، ساختار سست و ناکارآمد و پیش‌بینی‌نشده‌ی وسایل حمل و نقل عمومی موجب می‌شود که این مشکل برطرف نشود.

۸. برخورد جدی با مجرمان

عامل بسیاری از تخلفات اخلاقی و فرهنگی لزوماً مسائلی فرهنگی نیست؛ بلکه زیاده‌خواهی‌ها، طمع‌ورزی‌ها و خواسته‌های نفسانی بی‌پایان را نیز باید در نظر گرفت؛ در چنین مواردی، موعظه و توصیه اخلاقی نمی‌تواند مؤثر باشد، بلکه برخورد جدی با مجرمان و قانون‌شکنان، از شرایط لازم برای تحقق اجتماعی ارزش‌هاست. از نظر عالمان علوم تربیتی و روان‌شناسان اجتماعی معاصر نیز یکی از راه‌های مهم فرهنگ‌سازی، استفاده از شیوه تنبیه^۱ است. البته تنبیه شیوه‌های مختلفی دارد که هر کدام از آنها به نوعی در کاهش رفتارهای نامطلوب و افزایش احتمال انجام رفتارهای مطلوب مؤثر است.

یکی از متعارف‌ترین شیوه‌های تنبیه، شیوه تنبیه منفی^۲، یا همان محروم کردن و جریمه کردن است. محروم کردن؛ یعنی فرد را متناسب با رفتار نامطلوبی که انجام می‌دهد، از دسترسی به امکانات اجتماعی بازداریم. به تعبیر دیگر، برخورداری از امکانات اجتماعی را به برطرف شدن رفتار نامطلوب مشروط کنیم. این کار از احتمال انجام رفتارهای نامطلوب و مشکل‌آفرین می‌کاهد (برگر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰-۱۷۱). البته استفاده از این شیوه، وابسته به آن است که امکانات لازم برای محروم کردن را در اختیار داشته باشیم؛ یعنی نیروی انتظامی و قوه قضائیه توانایی اجرای موفقیت‌آمیز تنبیه را داشته باشند؛ در غیر این صورت، ممکن است افراد را به انجام رفتارهای نامطلوب

1. Punishment

2. negative punishment

بیشتر و شدیدتری سوق دهد. این شیوه در صورتی مؤثر است که فرد در کوتاه‌ترین زمان بعد از انجام رفتار نامطلوب، محرومیت یا جریمه را متحمل شود؛ به عنوان مثال، ثبت تخلفات رانندگی با دوربین‌های موجود در برخی از خیابان‌ها، اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها، زمانی مؤثر است که در کمترین زمان بعد از انجام تخلف، فرد متخلف پیامد تخلف خود را درک کند؛ بنابراین، حتی اگر مهلتی برای پرداخت جریمه به او داده می‌شود، لازم است بلافاصله از پیامد کار اشتباه خود آگاه شود و در کمترین زمان ممکن بداند که مثلاً سرعت غیرمجاز یا سبقت غیرمجاز او موجب چه نوع تنبیهی شده است؛ چه میزان جریمه نقدی برای او ثبت شده؛ چند امتیاز یا نمره از او کاسته شده است و امثال آن.

سیره پیامبر اکرم (ص) این‌گونه بود که با اهانت‌ها و بداخلاقی‌هایی که به شخص ایشان می‌شد، کریمانه برخورد می‌کرد. این برخورد کریمانه و نرم تا جایی است که تمجید و تحسین الهی را در پی داشته و خداوند اخلاق پیامبر (ص) را اخلاق عظیم نامیده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴)

«به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها با آنها مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد».^۱

هند بن ابی‌هاله،^۲ در توصیف اخلاق پیامبر اکرم (ص) می‌گوید: «همواره بشاش و خنده‌رو بود؛ اخلاقی ساده داشت؛ نرم و مهربان بود؛ خشن و سنگدل نبود».^۳ اما درباره مقررات و قوانین اسلامی، هیچ قانون‌شکنی و تخلفی را نادیده نمی‌گرفت

۱. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹).

۲. بر اساس نظریه مشهور، حضرت خدیجه پیش از ازدواج با پیامبر اکرم (ص) با شخصی به نام ابی‌هاله ازدواج کرده بود که بعد از مدتی از دنیا رفت. حضرت خدیجه از وی، پسری به نام هند داشت. بر این اساس، هند نیز همچون اسامه، فرزندخوانده پیامبر اکرم (ص) و برادر ناتنی حضرت زهرا به شمار می‌آمد. البته اسامه کوچک‌تر بود و فقط دوران مدینه پیامبر اکرم را درک کرده بود. اما هند از پیش از نبوت پیامبر اکرم (ص) در خانه حضرت بود. بنابراین، هند بن ابی‌هاله اطلاعات بسیار دقیقی از زندگی خصوصی پیامبر اکرم (ص) داشت؛ زیرا در خانه آن حضرت بود. در حدیثی چنین نقل شده است که امام حسن (ع) از او خواست سبک زندگی پیامبر اکرم (ص) را برایش نقل کند. هند در توصیفی جالب، شیوه زندگی پیامبر را در حوزه‌های مختلف توصیف کرد.

۳. كَانَ دَائِمًا الْبَشِيرَ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيْنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بَفَظًّا وَلَا غَلِيظًا (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۸۳).

و برای مثال، اگر ثابت می‌شد کسی شراب خورده یا دزدی کرده است، خلق عظیم پیامبر و نرم‌خویی و محبتش به خلق خدا موجب نمی‌شد این جرم را نادیده گیرد و حد الهی را درباره او جاری نکند! پیامبر اکرم(ص) هیچ واسطه و شفيعی را برای اجرا نکردن حدود الهی نمی‌پذیرفت. هند بن ابی‌هاله دربارهٔ برخورد آن حضرت با حق‌کشی‌ها و ظلم‌ها می‌گوید: «دنیا و نامالایمات آن هرگز او را به خشم نمی‌آورد؛ و[لی] وقتی حقی پایمال می‌شد، از شدت خشم کسی او را نمی‌شناخت و از هیچ چیزی پروا نداشت تا آنکه حق را یاری می‌کرد و احقاق حق می‌فرمود».^۱

امام صادق(ع) فرمود: «ام‌سلمه، همسر پیامبر اکرم(ص) کنیزی داشت که او را هنگام سرقت دستگیر کردند و نزد پیامبر آوردند. بعد از اثبات سرقت، پیامبر اکرم(ص) فرمود حد سرقت دربارهٔ او جاری شود؛ ام‌سلمه خواست وساطت کند و از پیامبر خواست که او را ببخشد، اما پیامبر اکرم(ص) در پاسخ فرمود: ای ام‌سلمه! این حدی از حدود الهی است و نباید ضایع شود».^۲

در مورد دیگری، وقتی فاطمه بنت اسود مخزومی مرتکب سرقت شده بود و مستحق اقامه حد شناخته شد، چون از خانواده‌ای شریف و مشهور بود، مردم قریش از پیامبر اکرم(ص) تقاضا داشتند که جرم او را نادیده بگیرد. اما پیامبر به هیچ عنوان از اجرای حکم کوتاه نیامد. قریشیان به دلیل جایگاه ویژه‌ای که اسامه بن زید، فرزندخوانده پیامبر، نزد آن حضرت داشت، او را واسطه کردند؛ اما پیامبر اکرم(ص) در پاسخ فرمود: این حق شخصی نیست که قابل گذشت باشد؛ قانون الهی است و باید اجرا شود و هیچ وساطت و شفاعتی در اجرای حدود الهی پذیرفتنی نیست: «لَا يُشْفَعُ فِي حَدٍّ» و سپس فرمود: حتی اگر فاطمه دختر خودم نیز مرتکب جرم شود، لحظه‌ای در اجرای حد الهی درباره او درنگ نخواهم کرد (قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۹۱-۱۸۹۲). امام علی(ع) نیز همین روش را داشت. نجاشی از شاعران سپاه امام بود که سروده‌های او علیه دشمنان حضرت و اشعار حماسی‌اش در تحریک و تهییج سپاهیان امام نقشی بسزا داشت؛ ولی هنگامی که مرتکب گناه شرابخواری شد، امام بدون توجه به خدمات پیشین او و جایگاه اجتماعی وی و قبیله‌اش، حد شرابخواری را در حق او

۱. و لَا تُغْضِبُهُ الدُّنْيَا وَ مَا كَانَ لَهَا فَاذًا تُعْطِي الْحَقَّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَقُمْ لِعَظْمِهِ شَيْءٌ حَتَّى يُنْتَصَرَ لَهُ (همان، ص ۸۱).

۲. يَا أُمَّ سَلَمَةَ هَذَا حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُضَيِّعُ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، باب انه لا يشفع في حد، ص ۲۵۴، ح ۲).

اجرا کرد. این حکم برای قبیله نجاشی و سپاهیان یمنی امام علی(ع) سنگین آمد؛ از این‌رو، یکی از بزرگان آنها به نام طارق بن عبدالله نه‌دی نزد امام آمد و گفت: «ای امیرمؤمنان! ما گمان نمی‌کردیم که گناهکاران و اطاعت‌پیشگان و مخالفان و موافقان، نزد حاکمان عادل و معادن فضل، در اجرای حدود و احکام یکسان باشند؛ تا اینکه رفتار شما را با نجاشی دیدیم! با این کار، سینه ما را از شدت خشم آتش زد؛ ما را آشفته کردی و به پیمودن راهی وادار ساختی که می‌دانیم هرکس آن را بیماید، به آتش می‌رود».^۱

امام علی(ع) در پاسخ فرمود: «اجرای حدود الهی بر غیرخاشعان سنگین است. ای برادر بنی‌نهدی! مگر غیر از این است که نجاشی، فردی است از مسلمان‌ها که پرده حرمت یکی از محرّمات الهی را پاره کرد و ما فقط حدی را بر او اجرا کردیم که کفاره آن گناه بود؟».^۲

در نمونه‌ای دیگر، یکی از افراد قبیله بنی‌اسد مرتکب جرمی شده بود که استحقاق حد الهی را داشت. بزرگان قبیله بنی‌اسد که از بهترین یاران امام علی(ع) بودند، برای وساطت نزد امام حسین(ع) (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ش ۱۵۴۷، ص ۴۴۳؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۴۲) یا امام حسن(ع) (ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۹۹-۱۰۰) رفتند. اما آن بزرگوار وساطت را نپذیرفت و فرمود: «چرا خودتان در این موضوع با امام سخن نمی‌گویید؟ او که همه اوقات برای پاسخگویی آماده است». بزرگان قبیله نزد امام علی(ع) آمدند و تقاضای چشم‌پوشی از جرم هم‌قبیله‌ای‌شان را داشتند. آن حضرت در پاسخ فرمود: مطمئن باشید هر تقاضایی از من داشته باشید که اختیار آن را داشته باشم، اجابت خواهم کرد. آنها خوشحال از این پاسخ، از نزد حضرت خارج شدند و دوباره با امام حسن(ع) یا امام حسین(ع) برخورد کردند و ماجرا را گفتند. حضرت به آنها توصیه کرد که نزد فرد خطاکار بازگردند. هنگامی که بزرگان قبیله بازگشتند، امام علی(ع) حد را جاری کرده بود! آنها به حضرت اعتراض کردند که مگر به ما قول ندادید که خواسته ما را اجابت می‌کنید؟!

۱. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا كُنَّا نَرَى أَنْ أَهْلَ الْمُعْصِيَةِ وَالطَّاعَةِ وَأَهْلَ الْفِرْقَةِ وَالْجَمَاعَةِ عِنْدَ وِلَاةِ الْعَدْلِ وَمَعَادِنِ الْفُضْلِ سَيِّئَانَ فِي الْجَزَاءِ حَتَّى رَأَيْتُ مَا كَانَ مِنْ صَنِيعِكَ بِأَخِي الْعَارِثِ فَأَوْعَرْتَ صُدُورَنَا وَشَتَّتْ أُمُورَنَا وَحَمَلْتَنَا عَلَى الْجَادَةِ الَّتِي كُنَّا نَرَى أَنْ سَبِيلَ مَنْ رَكِبَهَا النَّارُ (تقفي، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۶۹).

۲. إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ يَا أَخَا بَنِي نَهْدٍ وَهَلْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتَهَكَ حُرْمَهُ مِنْ حُرْمِ اللَّهِ فَأَقَمْنَا عَلَيْهِ حَدًّا كَانَ كَفَارَتَهُ؟ (همان).

آن حضرت فرمود: من قول دادم از انجام کاری که اختیار آن را داشته باشم، کوتاهی نمی‌کنم؛ اما من اختیار حدود الهی را ندارم و این حکم خدا و مربوط به خداست و من فقط مجری آن هستم و هیچ حقی درباره آن ندارم.

نتیجه

پرسش اصلی ما در این مقاله این بود که «چه راهکارها و روش‌هایی برای نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از سیره و سخن اهل‌بیت(ع) می‌توان استخراج کرد؟» برای یافتن پاسخ علمی این پرسش، ابتدا با استناد به منابع دینی، مقدمات لازم برای هرگونه برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی را بیان کردیم. در این باره ضمن رد نظریه‌ای که مدعی محال بودن تغییر رفتار بود، تدریجی بودن تغییرات فرهنگی را متذکر شدیم و همچنین این مسئله را گوشزد کردیم که هر اقدامی در جهت اصلاح سبک زندگی، باید با توجه به عوامل سبک‌سازی همچون باورها، ارزش‌ها، محیط، تربیت، گروه‌های مرجع، شرایط اقتصادی و اجتماعی انجام شود.

هشت راهکار و روش عمده تغییر فرهنگی از نگاه اهل‌بیت(ع) که در این مقاله بررسی شد؛ عبارت بودند از: ۱) تغییر نگرش؛ ۲) توجه به آموزش‌های کاربردی، مصداقی، عینی و جزئی؛ ۳) خودشناسی و تقویت شخصیت؛ ۴) بازنگری و بازشناسی سبک زندگی پیامبران و اولیای الهی؛ ۵) اصلاح رفتار مسئولان، متولیان فرهنگی و صاحب نفوذان اجتماعی؛ ۶) توجه به ابعاد فرهنگی و اقتصادی اعتقاداتی مثل تولی و تبری؛ ۷) توجه ویژه به عدالت و نظم سیستمی و اکتفا نکردن به طرح عدالت و تقوای فردی؛ ۸) اجرای قانون در برخورد با مجرمان و نظم‌شکنان و قانون‌گریزان.

نتیجه مهم دیگری که از این بررسی به دست می‌آید، این است که ائمه اطهار(ع) به سبک زندگی نگاه تک‌بعدی نداشتند و این حقیقت را بیان کرده‌اند که پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی تک‌عاملی نیستند؛ به همین دلیل، برای هرگونه تغییر یا اصلاحی در سبک زندگی، لازم است برنامه‌ریزی جامع صورت گیرد و صرف تبلیغ و تبیین ارزش‌ها کافی نیست بلکه در مواردی باید از قوه قهریه نیز استفاده کرد؛ همچنین، تمرکز بر مسئولیت‌های فردی نمی‌تواند فرهنگ اجتماعی را اصلاح کند بلکه باید به اصلاح سیستم‌ها و ساختارها نیز پرداخت و افزون بر این، لازم است تداوم اجتماعی و فرهنگی اصول اعتقادی مانند عدالت، تولی، تبری و امثال آن را وجهه همت خود کرد.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۷۸). ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، تصحیح آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ائمه (ع)، قم: علامه.
- القرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت: دارالجمیل.
- ارونسون، الیور (۱۳۷۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- برگر، ریموند میلتن (۱۳۸۱). شیوه‌های تغییر رفتار، ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، تهران: سمت.
- بروجردی، آقاحسین (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳). نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
- تقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰ق)، الغارات، تصحیح عبدالزهره حسینی، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی ایرانی، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الفصول المختارة، تصحیح علی میرشریفی، قم: کنگره شیخ مفید.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تصحیح محسن کوچه‌باغی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، حکمت‌ها و اندرزها، در مجموعه آثار، ج ۲۲، تهران: صدرا.
- واسطی، علی بن محمد لثی (۱۳۷۶)، عیون‌الحکم والمواعظ، حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.